

معاون حقوق عامه و پیشگیری
از وقوع جرم دادستانی کشور:

اراضی میانگاله باید به حقوق عمومی برگردد

دومین همایش ملی پارک‌های ملی و مناطق تحت حفاظت، کار خود را از ۲۴ شهریورماه در پارک ملی تنگ صیاد چهارمحال و بختیاری آغاز کرد. همایشی با تمرکز بر مدیریت مناطق حفاظت‌شده محیط‌زیستی که تا ۲۶ شهریورماه ادامه دارد. مهم‌ترین محور مباحث مطرح‌شده در روز اول این نشست، محافظت مشارکتی، جایگاه ذخیره‌گاه زیست‌کره در تنوع‌زیستی و البته انتقادات فعالان به سازمان محیط‌زیست درباره در دسترس نبودن داده‌های این حوزه بود. در روز اول این همایش غلامعباس ترکی، معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کشور در پاسخ به پرسشی درباره بازگشت اراضی که به‌صورت غیرقانونی در اختیار پتروشیمی میانگاله قرار گرفته بود، توضیح داد و گفت: «متأسفانه این اراضی خلاف ترتیبات قانونی قبل از اینکه فرآیند صدورمجوز نهایی شود، واگذار و تحویل شده بود. الان آنچه مسلم است این است که باتوجه به ابطال موافقت‌نامه پتروشیمی، این اراضی باید به منابع طبیعی و حقوق عمومی برگردد، اما فرآیندی دارد که باید با کمک دستگاه‌های اجرایی تسریع پیدا کند.» او اضافه کرد که ما امروز در محیط‌زیست خلأهایی داریم که بخشی از آنها در نظام حکمرانی ماست: «ما در حوزه محیط‌زیست هم نیاز داریم که نظام حکمرانی مطلوبی داشته باشیم که لازمه آن، داشتن یک برنامه ملی است. در این زمینه نیاز به مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد داریم و باید بستر آن هم فراهم شود. یکی از مشکلات ما در نظام رسیدگی قضایی این است که بسیاری از این خسارت‌هایی که در حوزه محیط‌زیست رخ می‌دهد قابل جبران نیست و نظام ارزیابی آن را هم نداریم. یکی از مصادیق مهم حقوق عامه، حفظ محیط‌زیست است که در این زمینه دادستان‌های کشور تکالیفی در حوزه‌های مختلف دارند.» در ادامه حمید ظهراپی، معاون محیط‌زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط‌زیست، از ضرورت تغییر در نحوه انتخاب مناطق حفاظت‌شده گفت: «ما سال‌هاست در انتخاب مناطق حفاظت‌شده، به‌دنبال مناطقی مشخص می‌گردیم، اما باید ببینیم چطور می‌توانیم از این روند عبور کنیم. از زمان تشکیل سازمان حفاظت محیط‌زیست تا امروز شاخص ما برای تعیین مناطق حفاظت‌شده تعدادی بزرگ، قوچ، میش و... است.» به گفته او، مناطقی دیگر نیز می‌توانند به‌عنوان منطقی حفاظت‌شده انتخاب شوند: «به‌عنوان نمونه، یک رودخانه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته بود که طبق آن پنج گونه اندیمیک داشت ولی اثر حفاظت‌شده نبود. به اعتقاد من باید این مسئله در این همایش‌ها تئوریزه شود و از آن عبور کنیم.» ظهراپی ادامه داد: «در آخرین اجلاس تنوع زیستی در کانادا، تصمیم بر این شد که ۳۰ درصد از عرصه‌های طبیعی تحت حفاظت قرار گیرد، اما ما الان در ۱۲ درصد آن مانده ایم و نیرو و تجهیزات لازم را نداریم. چطور می‌خواهیم به این ۳۰ درصد برسیم؟ باید از این تنگ‌نظری‌ها عبور کنیم و اجازه دهیم بخش خصوصی به آن وارد شود، کردیوها رابه‌آنها انتقال دهیم و اثر حاشیه‌های مناطق را به‌فرق‌ها منتقل کنیم و منابع محیط‌زیست هم به کمک بیاید. تداوم این همکاری و حفاظت، زمانی ایجاد می‌شود که منفعت اقتصادی همراه با حفاظت باشد.» در ادامه حسن اکبری، معاون سابق محیط‌زیست طبیعی و تنوع‌زیستی سازمان حفاظت محیط‌زیست هم از ضرورت گره‌خوردن بخشی از حفاظت به منافع مردم گفت و توضیح داد: «مشارکت مردم در حفاظت یعنی باید از آن منفعت ببرند و اقتصادی شود و بخش‌هایی از حفظ تنوع زیستی با مشارکت مردم انجام شود. دولت قرار نیست همه هزینه‌های حفاظت را در کشوری مانند ایران تقبل کند و باید بخشی از آن برعهده مردم گذاشته شود. یکی از معیارهای اثربخشی مناطق حفاظت‌شده به میزان منتفع شدن مناطق هم‌جوار آن برمی‌گردد. در کجای کشور توانستیم یک جامعه محلی به‌صورت پایدار همراه کنیم؟» به گفته او، سازمان حفاظت محیط‌زیست از نظر قانونی اجازه ورود به بسیاری از موضوعات را ندارد: «مطالعی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود سنخیتی با وضع محیط‌زیست ما ندارد؛ چون شرایط ما بسیار خاص است و نتوانستیم آنها را مورد استفاده قرار دهیم. ما بسیاری از لحظات خاص حفاظت از تنوع زیستی را از دست می‌دهیم؛ چون منابع کافی برای آن نداریم و از منابع بخش خصوصی هم نتوانستیم استفاده کنیم. سازمان از نظر قانونی اجازه ورود به بسیاری از موضوعات را ندارد. ما در لایحه‌ای که به دولت بردیم، خیلی جنگیدیم که اختیارات سازمان را در حوزه گیاه که بستر حفاظت از حیات وحش است افزایش دهیم ولی به‌دلیل قوانین سازمان‌های دیگر، توفیقی حاصل نشد.»

عکس: علیرضا رضایان/چهاران

گزارش
دانشگاه



اوین دانشگاه می‌شود؟

بررسی سخنان دیروز محمدرضا عارف و وزیر علوم درباره شروع تغییر در دانشگاه‌ها

مینا عبادی

خبرنگار اجتماعی

«قوه قضائیه قول داده در کارگروهی پرونده‌های دانشجویان دوباره مطرح‌شده و حرف‌های ما را بشنود.» بعد از چند هفته بحث و نظر درباره تغییرات احتمالی در نگاه به دانشگاه و وضعیت دانشجویان محروم از تحصیل، حسین سیمایی صراف، وزیر علوم دیروز با گفتن این جمله، بالاخره به صورت رسمی در این باره اظهارنظر کرده است. او گفته که وزارت علوم درباره دانشجویان یا اساتید بازداشتی یا آنهایی که پرونده قضایی دارند، نمی‌تواند دخالتی در امور قضایی داشته باشد ولی با قوه قضائیه تفاهمی در نظر گرفته شده که درباره پرونده‌های دانشجویی و اعضای هیئت علمی است که احیاناً در این قضایا و حوادث گرفتار شدن در کارگروهی، نظرات ما را هم بشنوند: «من مطمئن نیستم قوه قضائیه مجدد پرونده را بررسی بکند ولی به ما این قول را داده اند که در یک کارگروهی، پرونده‌ها دوباره مطرح شوند. امیدواریم که با طرح آن پرونده‌ها، شنیدن حرف‌ها و شناخت، گزارش‌ها و کارشناسی‌های ما، تجدیدنظری در آرای آنها هم صورت بگیرد.»

از طرف دیگر اجلاس رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی پژوهشی و فناوری کشور صبح دیروز، شنبه ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۳، با حضور محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، سیدضیاء هاشمی، معاون فرهنگی و اجتماعی معاون اول رئیس‌جمهور و حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها و رؤسای دانشگاه‌ها در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد و عارف از وضعیت کنونی دانشگاه‌ها انتقاد کرد. او گفت که فضای دانشگاه‌ها امنیتی شده و باید درباره دانشجویان اخراجی جلساتی برگزار یا کارگروهی تشکیل و این مسئله بسته شود: «باید مشخص شود، برخوردی که با دانشجویان شده چند درصد براساس ضوابط بود.»

او در ادامه صحبت‌هایش به موضوعی قدیمی پرداخت که حالا سال‌هاست چندوقت یک‌بار مطرح می‌شود: دانشگاه کردن زندان اوین. عارف با بیان اینکه انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی است، در پاسخ به درخواست رئیس دانشگاه شهید بهشتی برای اختصاص فضای زندان اوین به این دانشگاه گفت: «با آنکه ۲۱ سال از مصوبه اختصاص فضای زندان به دانشگاه گذشته است، اما تصمیم داریم مخوف‌ترین زندان قبل از انقلاب را به دانشگاه تبدیل کنیم. این موضوع در دولت‌های قبل تصویب شده و اگر پیگیری جدی‌ای صورت گیرد مسئله حل می‌شود و اکنون در دولت چهاردهم آماده‌ایم که آن مصوبه را احیا کرده و

زمین معوض هم به قوه قضائیه داده شود، این مسئله پیام خوبی به دنیا ارسال می‌کند که «زندان» به «دانشگاه» تبدیل شده است.» او در ادامه از امنیتی شدن فضای دانشگاه و محافظه‌کار شدن رؤسای دانشگاه‌ها انتقاد کرد: «وقتی از دانشگاه کمک می‌خواهیم، دانشگاهیان می‌پرسند آیا امکان مکان طرح نقد را به دانشگاه‌ها داده‌اید؟ آیا در جهت برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی که فرموده مقام معظم رهبری است عمل کرده‌اید؟ آیا بیان نقد هزینه‌ای ندارد؟ متأسفانه هنر ما این است که صورت مسئله را پاک کنیم و برخورد‌های امنیتی داشته باشیم و در چند سال گذشته، این فضا بردانشگاه حاکم بود که دانشگاه با دخالت نیروهای غیردانشگاهی و امنیتی آرام شود، اما این آرامش مطلوب نیست، آرامش اصلی پای صحبت جوانان نشستن و با آن‌ها سخن گفتن است: آرامشی که به دنبال آن هستیم همان راهبردی است که باعث پیروزی انقلاب اسلامی شد.» عارف در ادامه با بیان اینکه برخی استادان و رؤسای دانشگاه‌ها در دو دهه گذشته بسیار محافظه‌کار شده‌اند، گفت: «در سال‌های آغازین دهه ۸۰ هر هفته، نامه‌ای به دستمان می‌رسید که تعدادی از رؤسای دانشگاه‌ها، مطالبه‌ای جدی را مطرح کرده بودند، اما امروز باید از خود پرسید آن مطالبات و پیگیری‌ها کجا رفت و چه اتفاقی افتاده است؟ چقدر ماندگاری پست‌ها برای ما ارزشمند شده است که وظایف ذاتی و اجتماعی خودمان را کنار گذاشته‌ایم. دانشگاه هنوز مرجعیت خود را از دست نداده و همچنان احترام استاد و دانشجو زیاد است، اما اگر محافظه‌کار باشیم آیا این جایگاه حفظ خواهد شد؟ وظیفه دانشگاه فقط پژوهش و تربیت دانشجو نیست، نقش دانشگاه در حل مشکلات و مسئولیت اجتماعی بی‌بدیل است و باید قدر این نقش را بدانیم.»

در انتظار وفاق

آغاز سال تحصیلی جدید برای خانواده آموزش عالی با دو تغییر در مقایسه با سال‌های قبل همراه است: نخست تزریق کلیدواژه مورد تأکید دولت یعنی «وفاق» به دانشگاه‌ها و دیگری بازگشت روح «حقوق» به وزارت علوم.

بعد از گذشت ۴۵ سال به نظر می‌رسد انتخاب یک چهره حقوق‌دان و برخاسته از علوم انسانی برای هدایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به منظور پمپاژ کلیدواژه اصلی گفتمان مسعود پزشکیان و کابینه‌اش یعنی «وفاق» در این وزارتخانه و دانشگاه‌های متبوع آن، بیش از پیش مطرح شده است. حالا هم دانشجویان و هم اساتید دانشگاه منتظر تغییرند و این از بین حرف‌هایشان پیداست. به گفته بعضی از اساتید دانشگاه، انتخاب یک

فرد برخاسته از رشته علوم انسانی و مشخصاً رشته حقوق و به اصطلاح «حقوقی» برای قرارگیری در صدر وزارت علوم، امید به تغییر در دانشگاه را بیشتر کرده است. بعد از انقلاب اسلامی حضور فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی در رأس وزارتخانه علوم به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد و همواره گوی ماجرا در دستان رشته‌های برخاسته از علوم تجربی و ریاضی بوده یا پزشکان و رشته‌های زیرمجموعه علوم زیستی یا مهندسان در زیرشاخه‌های مختلف نظیر شیمی، هوافضا و برق در صدر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای امور نخبگانی کشور قرار گرفته‌اند: جز نخستین وزیر علوم یعنی علی شریعتمداری که در دولت موقت بازگان با عنوان وزیر فرهنگ و آموزش عالی سکان امورات جامعه دانشگاهی را در دست گرفت و دارای مدرک کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی، کارشناسی ارشد آموزش متوسطه و دکترای فلسفه تعلیم و تربیت و برنامهریزی درسی بود و دومین وزیر علوم یعنی حسن حبیبی که او نیز وزیر فرهنگ و آموزش عالی در دولت موقت شهید بهشتی - بنی صدر شناخته می‌شد، دارای دکترای حقوق و جامعه‌شناسی بود و در تهیه پیش‌نویس قانون اساسی نیز نقش داشت، تا به امروز هیچ‌یک از وزرای علوم از جامعه فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی انتخاب نشده بودند. هر چند سید ضیا هاشمی که برای سه‌ماه از مردادماه تا آبان‌ماه ۹۶ به‌عنوان سرپرست این وزارتخانه انتخاب شد نیز دانش‌آموخته رشته جامعه‌شناسی بود اما در قامت یک وزیر در وزارتخانه علوم، حسین سیمایی صراف با یک وقفه طولانی بالغ بر ۴۰ ساله، سومین وزیری است که به نمایندگی از دانش‌آموختگان رشته‌های زیر شاخه علوم انسانی وارد مرکز اصلی آموزش عالی می‌شود و برای تصمیم‌گیری درباره مسائل جامعه نخبگانی کشور بر صدر این مجموعه نشسته است.

حقوقی‌ها تاکنون دو بار توانسته‌اند با سبقت گرفتن از علوم پزشکی و مهندسی روح وزارت علوم را در دست گیرند؛ یک‌بار با انتخاب حسن حبیبی به‌عنوان وزیر علوم در سال ۵۸ و بار دیگر با انتخاب حسین سیمایی صراف در سال جاری و به‌عنوان وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در دولت چهاردهم. در واقع وقته‌های بالغ بر ۴۰ ساله در این میان رخ داد و مجدداً روح حقوق به وزارت علوم تزریق شد و این انتخاب از بین جامعه «علوم انسانی» از سوی رئیس‌جمهوری که خود پزشک است و در وادی علوم زیستی تحصیل کرده، امیدواری را بیشتر کرده است. به‌نظر می‌رسد دولت چهاردهم برای به رأس آوردن حقوقی‌ها عزمی جدی دارد؛ چراکه در روزهای گذشته با حکم سیمایی صراف، محمد روشن که معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت علوم طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶،